

گروه‌های حرف اضافه‌ای در زبان فارسی: یک بررسی نقشگرا

والی رضایی*

همایون سعیدی**

چکیده

گروه‌های حرف اضافه در نظریه‌پردازی‌های نحوی جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است. در دستور نقش و ارجاع این گروه‌ها به سه دسته افزوده، نشانگر موضوع و موضوع - افزوده تقسیم می‌شوند. در دسته اول، این گروه‌ها به عنوان ادات ایفای نقش می‌نمایند. در دسته دوم، گروه حرف اضافه یکی از موضوع‌های محمول می‌باشد. در دسته سوم، حرف اضافه، نشانگر موضوع برای محمول است اما بر معنای بند نیز می‌افزاید. نوشتار حاضر نشان می‌دهد که گروه حرف اضافه‌ای در زبان فارسی دارای کارکردهای مختلفی است و علاوه بر نقش ادات می‌تواند به منزله نشانگر موضوع در ساخت‌های دو مفعولی و گاهی به عنوان مفعول مستقیم و برخی نقش‌های دیگر به کار رود. در این جستار گروه‌های حرف اضافه‌ای نشانگر موضوع با توجه به افعالی که با آنها تظاهر می‌یابند به سه دسته تقسیم شدند. گروه حرف اضافه‌ای همراه با فعل‌های ناگذر حرکتی، گروه حرف اضافه‌ای مکانی و غیر مکانی همراه با فعل ربطی و گروه حرف اضافه‌ای در ساختارهای فعل سبک فارسی، از دیگر مواردی می‌باشد که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: گروه حرف اضافه، افزوده، نشانگر موضوع، موضوع افزوده، زبان فارسی.

* دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) vali.rezai@fgn.ui.ac.ir

** کارشناس ارشد آرفا دانشگاه اصفهان hn_saeedi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۱۸

۱. مقدمه

گروه حرف‌اضافه‌ای یکی از سازه‌های پربسامد زبان فارسی می‌باشد و در جمله‌های مختلف زبان به عنوان یک سازه مستقل و یا سازه‌ای وابسته کاربرد دارد. جمله‌های زیر نقش‌های مختلف گروه حرف‌اضافه‌ای را به عنوان سازه‌ای مستقل نشان می‌دهند:

۱. او در کتاب‌خانه درس می‌خواند.
۲. ایران به دانشمندان خود می‌نازد.
۳. این پارچه از ابریشم است.
۴. ما از دشمن فریب نمی‌خوریم.
۵. آن پسر کتاب را به دوستش داد.
۶. اهل محل به او پهلوان می‌گفتند.

گروه حرف‌اضافه‌ای می‌تواند به‌منزله وابسته گروه‌های اسمی، صفتی و قیدی نیز به کار رود. مانند نمونه‌های زیر:

۷. مصاحبه با بزرگان فرهنگ و ادب، ضروری است. (وابسته گروه اسمی)
۸. علی بلندتر از برادر بزرگ خود است. (وابسته صفت)
۹. او بیش‌تر از من مطالعه می‌کند. (وابسته قید)

دستورنویسان دیدگاه‌های متفاوتی درباره گروه‌های حرف‌اضافه‌ای زبان فارسی دارند و همان‌گونه که اشاره خواهد شد، در این زمینه دارای اختلاف نظر می‌باشند. در دستور نقش و ارجاع دسته‌بندی‌ای از گروه‌های حرف‌اضافه‌ای ارائه شده که طرح آن برای بررسی گروه‌های حرف‌اضافه‌ای زبان فارسی می‌تواند مفید واقع شود. در این مقاله پس از مرور بعضی مطالعاتی که در این زمینه انجام شده و معرفی اجمالی دستور نقش و ارجاع، دسته‌بندی گروه‌های حرف‌اضافه‌ای بر اساس این نظریه، ارائه خواهد گردید.

۲. مطالعات پیشین

قریب و همکاران (۱۳۷۳: ۲۳۴) حرف اضافه را کلمه‌هایی می‌دانند که نسبت میان دو کلمه را بیان کند و ما بعد خود را متمم کلمه دیگر قرار دهد، به طوری که معنی کلمه اول بدون ذکر کلمه دوم ناتمام باشد. نویسندگان این کتاب، گروه‌های حرف‌اضافه‌ای مانند (۱۰) را مفعول بواسطه برای فعل می‌نامند.

۱۰. هوشنگ دیروز کتاب را از دبستان به خانه برد.

ارژنگ (۱۳۷۴:۲۴) حرف اضافه را کلمه‌ای می‌داند که نقش اسم یا ضمیر یا گروه اسمی را که همراه آن آمده نشان می‌دهد. حرف اضافه نقش نمای اسمی است که متمم کلمه دیگر است، همان طور که پیوند وابستگی، نقش نمای جمله پیروی است که خود وابسته فعل یا اسمی از جمله پایه است:

۱۱. رفتم به دیدن او

ایشان در بیان تفاوت مفعول غیر صریح یا با واسطه با متمم فعل می‌نویسد: "از نظر صوری، مفعول‌های با واسطه به متمم فعل شبیه‌اند، زیرا هر دو اسمی هستند که با کمک یکی از حروف اضافه در جمله آمده‌اند، مانند مثال‌های زیر:

۱۲. با او جنگیدم.

۱۳. با اتومبیل آمدم.

اما فرق آن‌ها در این است که متمم را می‌توان از جمله حذف کرد بی آن که جمله ناقص شود ولی اگر مفعول را بدون هیچ قرینه‌ای از جمله حذف کنیم، جمله ناقص می‌شود."

وحیدیان کامیار و عمرانی (۱۳۷۹:۱۰۹) در مبحث انواع متمم بر این عقیده است که هر اسمی که پس از حرف اضافه بیاید، متمم است. وجود همه متمم‌ها الزامی است جز متمم قیدی. از میان همه متمم‌ها تنها متمم فعل، از اجزای جمله به شمار می‌آید. باطنی (۱۳۷۴:۷۷) گروه‌های حرف اضافه‌ای را از نوع گروه‌های قیدی می‌داند و معتقد است که جایگاه ادات را در ساختمان بند اشغال می‌کنند.

به نظر غلامعلی زاده (۱۳۷۴:۹۶) گروه حرف اضافه‌ای هم می‌تواند به عنوان یک سازه غیر وابسته و عمده عمل کند و هم می‌تواند به منزله وابسته پسین گروه‌های اسمی، صفتی و قیدی به کار رود. در حالت اول یعنی به عنوان یک سازه‌ی غیر وابسته، نقش‌های زیر را دارد:

الف) قید: او برای خرید به بازار رفته است.

ب) مفعول مستقیم: آن‌ها به داوود سرزدند.

پ) مفعول غیر مستقیم: از یک سخنگوی بومی این پرسش را پرسید.

ت) مسند: فصل نخست درباره‌ی مهارت‌های حرکتی است.

ایشان کاربرد گروه حرف اضافه را به عنوان وابسته گروه‌های اسمی، صفتی و قیدی با نمونه‌های زیر نشان می‌دهند.

ث) وابسته پسین گروه اسمی: توجه به زبان امر تازه‌ای نیست.

ج) وابسته پسین صفت: نقاشی شما زیباتر از نقاشی من شد.

چ) وابسته پسین قید: او تند تر از من می‌دود

مشکوه‌الدینی (۱۳۸۷:۱۹۲)، نقش‌ها و روابط دستوری گروه حرف اضافه‌ای را این‌گونه

برشمرده است:

الف) به عنوان گروه همراه در گروه حرف اضافه‌ای: از خانه تا محل کار.

ب) به عنوان گروه همراه حرف اضافه: تا به اینجا.

پ) با رابطه دستوری مسند: کشاورزان از روستاهای کشور هستند.

ت) با رابطه دستوری مفعول بواسطه: آن دختر کتاب را به مادرش داد.

ث) با رابطه دستوری بهره‌بر: باغبان برای ما گل آورد.

ج) با رابطه دستوری مفعول: به گل‌ها آب بدهید.

چ) با رابطه دستوری عامل: ما از دشمن فریب نمی‌خوریم.

ح) با رابطه دستوری ابزاری: با توپ بازی می‌کردند.

خ) با رابطه دستوری قید، ادات: در خانه، در خیابان.

همان‌گونه که ملاحظه گردید، نظرات دستورنویسان درباره گروه حرف اضافه مشکلات

و تناقضاتی دارد، به عنوان نمونه در سه جمله زیر که به ترتیب از قریب و همکاران (۱۳۷۳)،

ارژنگ (۱۳۷۴) و غلامعلی زاده (۱۳۷۴) برگرفته شده، گروه حرف اضافه به عنوان مفعول با

واسطه (غیر مستقیم) در نظر گرفته شده است:

۱۴. هوشنگ دیروز کتاب را از دبستان به خانه برد.

۱۵. با او نبرد کردم.

۱۶. آن‌ها از داوود مقداری پول قرض گرفته‌اند.

در حالی که گروه حرف اضافه‌ای در جمله (۱۴) قابل حذف می‌باشد ولی در جمله (

۱۵) قابل حذف نیست و به همین دلیل مفعول بواسطه نامیده شده است. ارژنگ مواردی

را که گروه حرف اضافه‌ای را می‌توان حذف نمود، بدون این که جمله ناقص شود، متمم

در نظر می‌گیرد. در جمله (۱۶) گروه حرف اضافه به این دلیل مفعول غیر مستقیم در نظر

گرفته شده که دارای نقش نحوی متمم فعل متعدی دو مفعولی می‌باشد. به عنوان مثالی دیگر،

گروه‌های حرف اضافه درجملاتی مانند (۱۷-۱۸) طبق نظر ارزنگ مفعول غیر صریح ازی می‌باشند، درحالی‌که مشکوه‌الدینی آن‌ها را گروه حرف اضافه با رابطه دستوری عامل در نظر می‌گیرد.

۱۷. تو از من رنجیدی.

۱۸. ما از دشمن نمی‌ترسیم.

به‌عنوان نمونه‌ای دیگر نظر باطنی (۱۳۷۴) را می‌توان ذکر نمود: "تمام گروه‌هایی که با حرف اضافه شروع می‌شوند از نوع گروه‌های قیدی هستند و جایگاه ادات را در ساختمان بند اشغال می‌کنند."

درحالی‌که در نظر زبان‌شناسانی مانند ردفورد (۱۹۹۷) ادات (adjunct) برای دلالت بر سازه‌ای اختیاری به‌کار می‌رود که زمان، مکان یا حالتی را که در آن رویدادی رخ می‌دهد، مشخص می‌کند. براساس داده‌های زبان فارسی موارد بسیاری وجود دارد که حذف گروه حرف اضافه سبب خلل در ساختار جمله می‌شود و خوش‌ساختی جمله را تحت تاثیر قرار می‌دهد، مانند:

۱۹. او به دسته گل می‌ماند.

۲۰. مریم گل‌دان را روی میز گذاشت.

بنا بر مطالب فوق، تعاریفی که از دیدگاه‌های مختلف درباره حرف اضافه و گروه‌های حرف اضافه‌ای ارائه شده‌اند بسیار متفاوت می‌باشند و گاه با یکدیگر در تضاد و تقابل قرار می‌گیرند و همین امر ضرورت پژوهش بیش‌تر را در این زمینه آشکار می‌سازد.

۳. دستور نقش و ارجاع

دستور نقش و ارجاع (Role and Reference Grammar) مدلی نقش‌گرا از دستور است که توسط ون ولین (Van Valin)، با همکاری زبان‌شناسان دیگری چون ویلیام فولی (Foley) در دهه ۱۹۸۰ شکل گرفت. این نظریه در درجه اول، زبان را ابزاری برای ارتباط کلامی در نظر می‌گیرد. بنابراین، جملات در ابتدا، بر حسب کارکردهای معنایی و ارتباطی توصیف می‌شوند. دستور نقش و ارجاع، نظریه‌ای یک لایه‌ای است، بازنمون نحوی یک جمله معادل با ساختار واقعی آن است که شامل ترتیب کلمات و واژگان آن می‌شود. بازنمون نحوی از طریق اصول منظورشناسی کلام به بازنمون معنایی مرتبط می‌شود.

ون ولین و لاپولا (۱۹۹۷) نظریه‌های زبان‌شناختی را به طور کلی به دو گروه طبقه‌بندی می‌کنند. در گروه اول، نحو مهم‌ترین جنبه زبان است و به همین دلیل به این نگرش، نحو بنیان گفته می‌شود. نمونه‌ی بارز این ویژگی را می‌توان در آثار چامسکی مشاهده کرد. در گروه دوم نظریه‌هایی قرار دارند که همگی آن‌ها وجود نحو به‌عنوان هسته خودمختار و مستقل زبان را نفی می‌کنند و به اهمیت عوامل ارتباطی و شناختی در توصیف و تحلیل ساخت‌های دستوری تاکید می‌ورزند.

در دستور نقش و ارجاع، نظام‌های دستوری با توجه به کارکردهای ارتباطی و معناشناختی تجزیه و تحلیل می‌شوند، بنابراین نقش معناشناسی و کاربردشناسی زبان بسیار قابل توجه است به‌طوری که استقلال حوزه نحو از بین رفته و تعامل میان این حوزه‌ها پایه‌های اصلی این نظریه زبانی را تشکیل می‌دهد.

۱.۳ ساخت معنایی و ساخت نحوی

مقوله‌های معنایی خاصی را در همه زبان‌ها می‌یابیم اما زبان‌ها این مقوله‌ها را به‌طور متفاوتی در ساختار نحوی خود ظاهر می‌سازند. تمایز معنایی اساسی که در همه زبان‌ها وجود دارد تمایز بین محمول (predicate)، موضوع‌های آن (arguments) و عناصر غیر موضوعی است. محمول رویداد یا موقعیتی را توصیف می‌کند و اغلب توسط یک فعل بیان می‌گردد. موضوع‌ها شرکت‌کنندگان در آن عمل یا رویداد را معرفی می‌کنند، بنابراین، عبارات‌های ارجاعی هستند که اغلب توسط گروه‌های اسمی بیان می‌شوند. عناصر غیر موضوعی: چیزی را درباره زمان یا مکان رویداد یا موقعیت، بیان می‌کنند. عناصر معنایی جهانی را در شکل زیر می‌بینیم:

محمول	+ موضوع‌ها	غیر موضوع‌ها
-------	------------	--------------

سازه‌های نحوی عمده که با موارد بالا معادل می‌باشند، عبارتند از: هسته (nucleus) که شامل محمول می‌شود. مرکز (core) که هسته و موضوع‌های آن را دربر می‌گیرد و حاشیه (periphery) که شامل غیر موضوع‌ها، گروه‌ها و کلماتی که کل مرکز را توصیف می‌کنند، می‌شود. برای مثال، جمله زیر این‌گونه نمایش داده می‌شود.

۲۱. حسن دوستش را در دانشگاه دید.

برای تحلیل این جمله، ابتدا محمول را تعیین می‌کنیم، محمول معنایی فعل دیدن می‌باشد که هسته نحوی جمله را تشکیل می‌دهد. موضوع‌های آن، حسن و دوستش هستند و این سه سازه، باهم مرکز را تشکیل می‌دهند. گروه اختیاری حرف اضافه‌ای مکان، در دانشگاه در حاشیه قرار می‌گیرد. باید توجه داشت که این تحلیل به جای این که بر طبقه کلمات (اسم و فعل و ...) تمرکز داشته باشد، بر کارکرد متمرکز است. به موضوع‌های نحوی که در مرکز می‌آیند، موضوع مرکز می‌گویند و ممکن است مستقیم یا غیر مستقیم (oblique) باشند. موضوع‌های مستقیم مرکز آن‌هایی هستند که در زبان‌هایی مانند انگلیسی با حرف اضافه نشان‌دار نمی‌گردند. موضوع‌های غیرمستقیم مرکز توسط حروف اضافه مشخص می‌شوند.

گروه‌های خاصی از موضوع‌های معنایی رفتار یکسانی در نحو دارند. گروه موضوع‌هایی که به عنوان فاعل عمل می‌کنند، عموماً نقش معنایی عامل (agent) دارند. گروهی از موضوع‌ها که به عنوان مفعول عمل می‌کنند، عموماً نقشی شبیه به کنش پذیر (patient) دارند. در این جا از نقش‌های تعمیم یافته استفاده می‌شود، یعنی، گروهی که از نوع عامل هستند، اثرگذار (actor) و گروهی که از نوع کنش پذیر می‌باشند، اثرپذیر (undergoer) نامیده می‌شوند. این نقش‌ها را فرانش (macrorole) نامیده‌اند، زیرا هر کدام از آن‌ها در بردارنده تعدادی از نقش‌های معنایی خاص می‌باشد. اثرگذار ممکن است عامل، ابزار و یا تجربه‌گر باشد در صورتی که اثرپذیر می‌تواند کنش پذیر، پذیرنده و یا دریافت کننده باشد. این امر را می‌توان در جمله‌های زیر نشان داد:

۲۲. بچه گلدان را شکست.

۲۳. علی توپ را پرت کرد.

۲۴. او بچه‌ها را سرگرم کرد.

در جمله‌های فوق گلدان، توپ و بچه‌ها به ترتیب دارای نقش معنایی کنش پذیر، پذیرنده و تجربه‌گر هستند در حالی که همه آن‌ها اثرپذیر می‌باشند. بعضی محمول‌ها می‌توانند فقط یک موضوع داشته باشند و آن موضوع می‌تواند یکی از دو کلان نقش باشد:

۲۵. احمد می‌دود. (اثرگذار)

۲۶. یخ ذوب می‌شود. (اثرپذیر)

باید خاطر نشان نمود که اثرگذار و اثرپذیر معادل روابط دستوری فاعل و مفعول نیستند. این عدم تطابق را می‌توان در جمله‌های زیر نشان داد:

۲۷. بچه گلدان را شکست.

۲۸. گلدان شکسته شد.

در جمله (۲۷) بچه اثرگذار و گلدان اثرپذیر است در حالی که در جمله (۲۸) اثرپذیر در جایگاه فاعل قرار گرفته است.

۲.۳ طبقه‌بندی گروه‌های حرف اضافه‌ای در دستور نقش و ارجاع

در نظریه دستور نقش و ارجاع گروه‌های حرف اضافه‌ای بر اساس این که شامل حروف اضافهٔ محمولی یا غیر محمولی بشوند در دو مقوله قرار می‌گیرند: حروف اضافه محمولی (predicative prepositions) مانند محمول‌ها عمل می‌کنند، یعنی اطلاعات معنایی اساسی، هم برحسب معنی خود و هم برحسب موضوعی که به دنبال آن‌ها می‌آید، برای بندی که در آن ظاهر می‌شوند، فراهم می‌کنند. (ون ولین، ۲۰۰۵: ۲۱) حروف اضافه غیر محمولی (non-predicative prepositions) اطلاعات معنایی اساسی برای بند فراهم نمی‌کنند و موضوع آن‌ها توسط محمول تعیین می‌شود. (ون ولین، ۲۰۰۵: ۲۲) همچنین بین گروه‌های حرف اضافه‌ای از این نظر که موضوع محمول اصلی باشند یا نباشند، تمایز وجود دارد. در دستور نقش و ارجاع، سه نوع گروه حرف اضافه‌ای معرفی شده‌اند که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

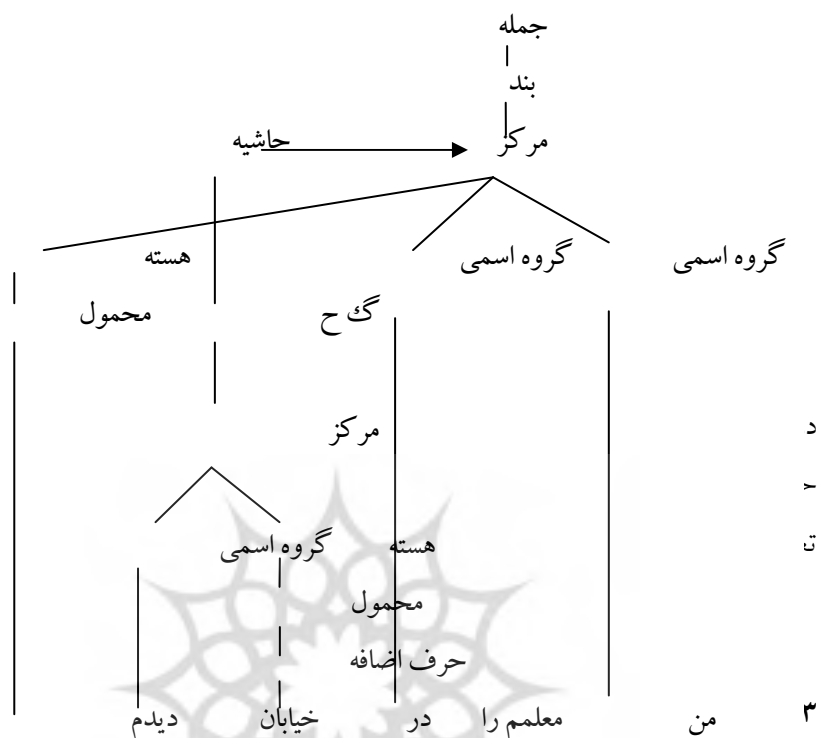
۱.۲.۳ گروه حرف اضافه‌ای افزوده

در این گروه‌ها، حروف اضافه محمولی مانند محمول‌ها عمل می‌کنند، یعنی برای بندی که در آن واقع می‌شوند اطلاعات معنایی فراهم می‌کنند. این اطلاعات معنایی هم مبتنی بر معنی خود حروف اضافه است و هم مبتنی بر معنی گروه اسمی که پس از آن‌ها می‌آید. بنابراین، این گروه‌های حرف اضافه‌ای، افزوده یا ادات می‌باشند، یعنی عناصری که به شیوه‌ای، رویداد یا موقعیتی را که توسط محمول اصلی بیان شده، توصیف می‌کنند.

۲۹. من معلم را در خیابان دیدم.

۳۰. برادر بزرگم در دانشگاه تدریس می‌کند.

۳۱. علی بعد از انجام تکالیفش تلوزیون تماشا می‌کند.



این گروه بر خلاف گروه قبلی، غیر محمولی می‌باشد. در این جا، خود حرف اضافه به اطلاعات معنایی اساسی کمی نمی‌کند و نمی‌تواند با حرف اضافه دیگری جایگزین شود. این گروه‌ها، موضوع‌های غیر مستقیم مرکز (oblique core argument) را با یک حرف اضافه مشخص می‌کنند. مانند نمونه زیر:

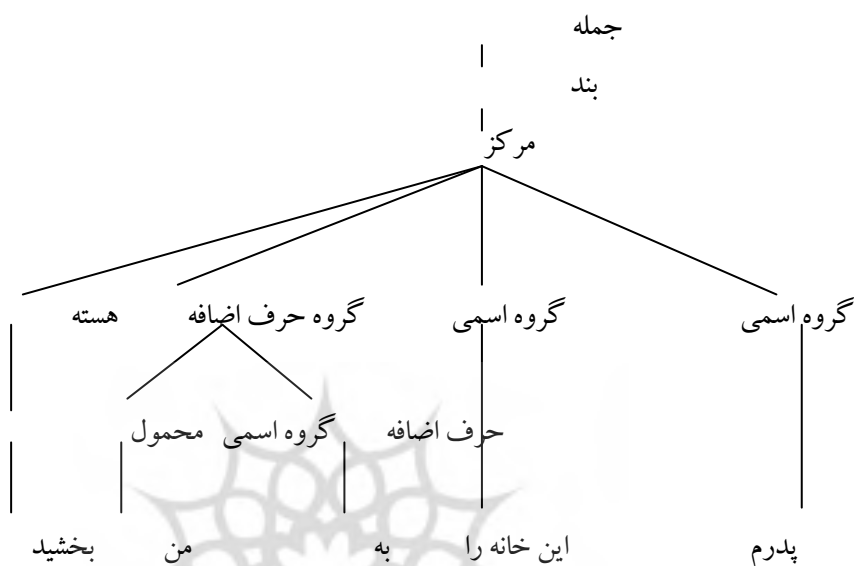
۳۳. من کتابم را به/از*در* علی دادم.

۳۴. پدرم این خانه را به من بخشید.

۳۵. خانه را به او سپردم.

۳۶. این نکته را از استاد آموختم.

در مثال‌های بالا، محمول‌ها، یعنی بخشیدن، سپردن و آموختن، سه موضوع دارند و حرف اضافه، موضوع سوم را مشخص می‌کند



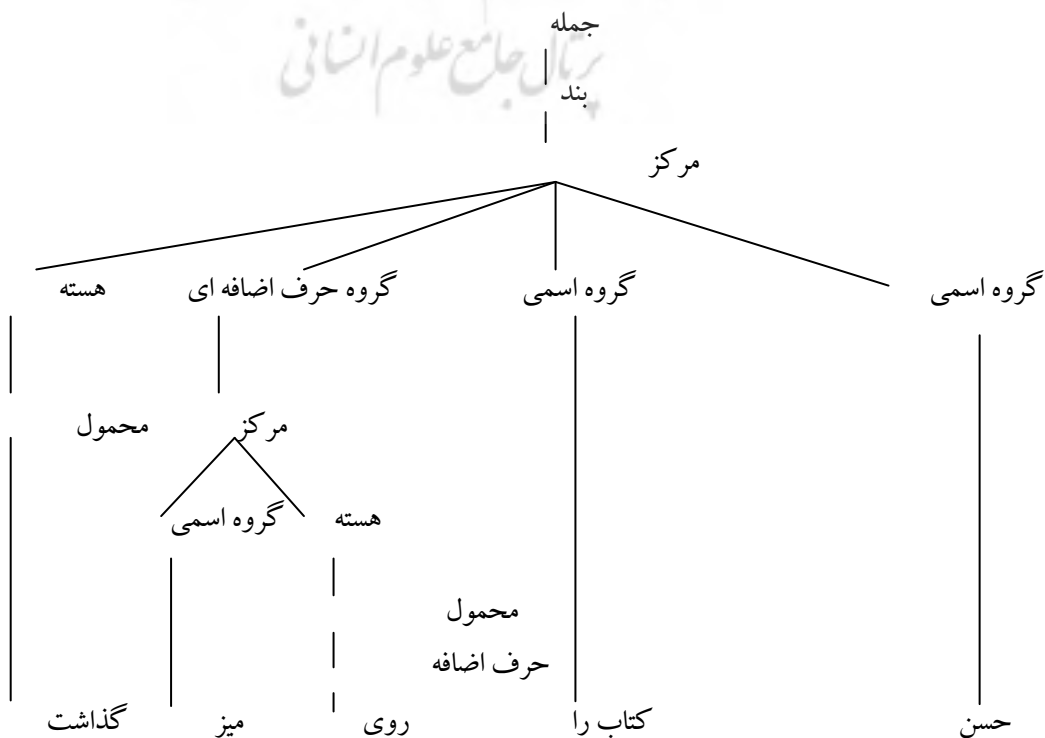
نمودار (۲): بازنمون سازه‌ای گروه حرف اضافه‌ای نشانگر موضوع

۳.۲.۳ گروه حرف اضافه‌ای موضوع - افزوده

این گروه، شامل حروف اضافهٔ محمولی می‌شود که بر معنی جمله می‌افزایند و علاوه بر آن، یکی از شرکت کنندگان در رویداد را معرفی می‌کنند.

۳۷. دانش آموز کتاب را در کیفش گذاشت.

۳۸. او تیر را در کمان نهاد.



نمودار (۳): باز نمود سازه‌ای گروه حرف اضافه‌ای موضوع . افزوده

تحلیل گروه‌های حرف اضافه‌ای زبان فارسی بر اساس دستور نقش و ارجاع

آن‌گونه که در بخش (۲-۳) مشاهده شد، تقسیم‌بندی گروه‌های حرف اضافه‌ای در دستور نقش و ارجاع، گروه‌های حرف اضافه‌ای را که سازه‌ای مستقل در جمله هستند، دربر می‌گیرد. بنابراین در این مقاله تنها به بررسی گروه‌های حرف اضافه‌ای مستقل زبان فارسی می‌پردازیم. تمایزی که در بخش (۲-۳) مطرح گردید، در واقع تمایز بین موضوع و ادات و ارائه معیار برای شناسایی آن‌ها می‌باشد و از موضوعات مورد اختلاف در نظریه دستوری بوده است (کرافت، ۲۰۰۱، ون ولین، ۲۰۰۱، دوتی، ۲۰۰۳).

موضوع‌ها از نظر نحوی و معنایی به هسته خود یعنی فعل، که توسط آن انتخاب می‌شوند، نزدیک‌تر هستند، سازه‌هایی اجباری و بخشی از مدخل واژگانی فعل می‌باشند. ادات بخشی از مدخل واژگانی فعل نیستند و زمینه یا وضعیت زمانی، مکانی، حالت و ... را توصیف می‌کنند که در آن زمینه یا وضعیت، رویداد توصیف شده توسط فعل رخ می‌دهد و سازه‌هایی اختیاری هستند. زبان‌شناسان درباره موضوع و ادات به عنوان دو قطب مخالف در پیوستار (موضوع/ادات) توافق نظر دارند که به ترتیب به صورت وابسته‌های اجباری و اختیاری تحقق پیدا می‌کنند:

۳۹. علی کتاب را در تاقچه گذاشت.

۴۰. علی کتاب را در تاقچه دید.

گروه حرف اضافه‌ای (در تاقچه) در جمله (۳۹) موضوع و در جمله (۴۰) ادات است. نقاط بینابینی هم در پیوستار (موضوع/ادات) وجود دارد که معمولاً همه نظریه‌ها به آن اشاره نموده‌اند. برای مثال، (دوتی، ۲۰۰۳) گروه حرف اضافه‌ای ادات را که در بعضی بافت‌ها شبیه

متمم رفتار می‌کند، ادات زیر مقوله‌ای شده (subcategorized adjunct) می‌نامند. سازه‌های اختیاری (ادات) ممکن است در نقاط بینابین گرایش به موضوع بودن داشته باشند.

۴۱. او به خانه رفت.

۴۲. او به طرف ساحل شنا کرد.

در جمله (۴۱) حذف عبارت جهتی (به خانه) در صورتی امکان‌پذیر است که مرجع آن برای طرف گفتگو مشخص باشد (کرافت، ۲۰۰۱: ۲۷). در حالی که در جمله (۴۲) هدف حرکت (به طرف ساحل) آزادانه‌تر می‌تواند حذف شود. چنانکه ملاحظه می‌شود تشخیص گرایش به موضوع برای این سازه‌ها دشوارتر می‌باشد. اختیاری بودن، همیشه آزمون مناسبی برای تعیین ادات نیست. گروه حرف اضافه‌ای به خانه در (۴۱) و به ایستگاه در (۴۳) با وجود اختیاری بودن به نظر می‌رسد بخشی از ظرفیت (valence) معنایی و نحوی فعل باشند.

۴۳. حسن به ایستگاه قطار رسید.

نقش معنایی هدف (goal) از فعل‌هایی مانند رفتن و رسیدن دریافت می‌شود. بنابر این، سازه‌های اختیاری (ادات) ممکن است از نظر نحوی و معنایی به عنوان موضوع پدیدار شوند. (ون ولین، ۲۰۰۱: ۹۳). دشواری تشخیص و تمایز سازه‌های اختیاری که می‌توانند موضوع واقع شوند سبب ارائه تحلیل‌های دیگری شده است، مثلاً (دوتی، ۲۰۰۳) تحلیل دوگانه‌ای را مبنی بر متمم بودن یک ادات و ادت بودن یک متمم ارائه نموده است. به این معنی که وضعیت سازه‌ای یکسان بر حسب محمولی که با آن همراه می‌شود، متغییر است. برای تعیین موضوع و ادات آزمون‌های تشخیصی وجود دارد که سه مورد آن ذکر می‌شود (شوتز، ۱۹۹۵، مرلو و استیو، ۲۰۰۶). الف. وابستگی به محمول: موضوع‌ها نسبت به ادات با گستره‌ی محدودتری از محمول‌ها همراه می‌شوند.

۴۴. او آن‌ها را از خطر آگاه کرد (شگفت زده کرد) / تحسین کرد*

ب. تکراری بودن: ادات می‌توانند تکرار شوند در حالی که موضوع‌ها این‌گونه نیستند.

۴۵. او را در مسابقات برسکوی قهرمانی دیدم.

۴۶. او کتاب را به احمد به علی داد.

پ. اختیاری بودن: موضوع‌ها وابسته‌های اجباری یک فعل هستند در حالی که ادات

اختیاری می‌باشند، زیرا چیزی به معنی فعل نمی‌افزایند.

۴۷. مریم کتاب را در قفسه گذاشت.

۴۸. * مریم کتاب را گذاشت.

در این بخش، طرحی کلی از کارکرد گروه‌های حرف اضافه‌ای بر حسب سه ویژگی عمده آنها ارائه می‌شود:

الف) طبیعت معنایی گروه حرف اضافه‌ای (+/- موضوع)

ب) رفتار نحوی آنها (+/- مرکز)

ج) مقولهٔ حرف اضافه آنها (+/- محمولی)

ترکیب این ویژگی‌ها، نظامی از انواع گروه‌های حرف اضافه‌ای را به دست می‌دهد که موارد آن با داده‌هایی از زبان فارسی ارائه می‌شود. دستور نقش و ارجاع، معنی‌شناسی واژگانی (lexical Semantics) را نقطه آغاز برای تحلیل بند در نظر می‌گیرد و در تحلیل مبتنی بر این نظریه، اعتبار یک شرکت کننده به عنوان موضوع یا ادات، کارکردی از معنی‌شناسی فعل است.

۴.۱ گروه‌های حرف اضافه‌ای افزوده: (- موضوع، - مرکز، + محمولی)

در دستور نقش و ارجاع، تمایز بین مرکز و حاشیه، مبتنی بر تمایز بین موضوع‌ها و غیر موضوع‌ها می‌باشد. دو نوع غیر موضوع یا ادات عبارت‌اند از ادات گروهی مانند گروه‌های حرف اضافه‌ای و ادات غیرحرف اضافه‌ای مانند قیود. ادات گروه حرف اضافه‌ای توصیف‌کننده مرکز می‌باشند و عمدتاً در حاشیه پدیدار می‌شوند. بعضی قیود هم مرکز را توصیف می‌کنند مانند قید زمان (دیروز) و آنها نیز در حاشیه می‌آیند. در واقع قیود ممکن است هر سه لایهٔ بند (هسته، مرکز و بند) را توصیف کنند. مثلاً قیود وجهی (aspectual adverb) مانند (کاملاً و پیوسته)، هسته را توصیف می‌کنند.

این گروه‌ها شرکت‌کنندگان حاشیه‌ای متداول بند هستند، مثال‌های بارز آن، گروه‌های حرف اضافه‌ای زمانی و مکانی می‌باشند. در این گروه‌ها، حرف اضافه به عنوان هسته در گروه حرف اضافه‌ای که در جایگاه نحوی ادات ظاهر شده است، ایفای نقش می‌نماید. افزوده‌ها، موقعیتی را که محمول بیان می‌کند، به لحاظ زمانی، مکانی و ... مشخص می‌کنند و در بردارندهٔ اطلاعات اضافی و حاشیه‌ای هستند و حذف آنها خللی در ساختار جمله وارد نمی‌کند، یعنی کنار گذاشتن آنها از غنای اطلاعات موجود می‌کاهد اما خوش ساختی جمله را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد. در خصوص این که حروف اضافهٔ محمولی،

برای بندی که در آن واقع می‌شوند، اطلاعات معنایی فراهم می‌کنند، می‌توان گفت که در زبان فارسی، در افزوده‌هایی که به صورت گروه حرف اضافه‌دار هستند، حرف اضافه مفهوم و کاربرد گروه اسمی پس از خود را تعیین می‌کند:

۴۹. دوستم را در خیابان دیدم. (مکان)

۵۰. او بعد از کلاس ورزش می‌کند. (زمان)

۵۱. آن‌ها با دوستان خود به گردش رفتند. (همراهی)

با توجه به داده‌های زبان فارسی، این گروه‌ها معمولاً بیشترین بسامد را در جمله‌ها دارند و نقشی به سزایی در بیان افکار و مفاهیم مورد نظر گوینده ایفا می‌نمایند. هم‌چنین اطلاعات حاشیه‌ای متعددی را بر جمله می‌افزایند، با وجود حاشیه‌ای بودن، حذف آن‌ها در بسیاری از موارد، سبب عدم برقراری ارتباط، مطابق منظور نویسنده، می‌شود.

۵۲. به نثر فارسی از آغاز تا مشروطه قدیم می‌گویند.

گروه‌های حرف اضافه‌ای مشخص شده در جمله بالا از نوع ادات می‌باشند ولی حذف آن‌ها سبب خلل در رساندن منظور نویسنده است.

۲.۴ گروه‌های حرف اضافه‌ای نشانگر موضوع (+ موضوع، + مرکز، - حرف اضافه محمولی)

آن‌گونه که ون ولین (۲۰۰۵:۲۲) بیان نموده، حروف اضافه غیر محمولی، اطلاعات معنایی اساسی به بند اضافه نمی‌کنند و گروه اسمی پس از آن‌ها توسط محمول تعیین می‌شود یعنی موضوع مرکز می‌باشند. این حروف اضافه، کارکردی از معنی‌شناسی محمول هستند و توسط آن تعیین می‌گردند. در اصطلاحات دستور نقش و ارجاع، این گروه‌ها معمولاً موضوع غیر مستقیم مرکز نامیده می‌شوند. به عبارت دیگر، حرف اضافه موضوع غیر فرانش را که نه اثرگذار و نه اثر پذیر مشخص می‌کند. موضوع‌های مستقیم مرکز آن‌هایی هستند که با حروف اضافه نشان‌دار نمی‌شوند، یعنی اثرگذار و اثر پذیر می‌باشند. مثال‌های واضح برای موضوع غیر مستقیم مرکز، موضوع‌های دریافت‌کننده فعل‌های انتقالی در زبان‌هایی مانند انگلیسی و فارسی است:

۵۳. علی کتاب را به مریم داد.

در جمله بالا گروه مشخص شده، نقش معنایی دریافت‌کننده دارد که در فارسی با حرف اضافه (به) تعیین می‌گردد. باید توجه داشت که در این گروه‌ها حروف اضافه توسط قواعدی به موضوع‌های خاص اختصاص می‌یابند.

۵۴. احمد کتاب را به علی داد.

۵۵. احمد کتاب را به علی نشان داد.

۵۶. احمد کتاب را به علی آموخت.

در جمله‌های فوق (علی) در تعدادی از نقش‌های معنایی، به ترتیب (دارنده، تجربه‌گر و آگاه‌شونده) ظاهر می‌شود، اما در هر مورد فقط با حرف اضافه (به) مشخص می‌شود. در هر نمونه گروه اسمی که قبل از آن (به) قرار گرفته، با وجود تغییر در نقش، در باز نمون معنایی، موضوع نخستین برای محمول پایانی می‌باشد: در زبان فارسی، حرف اضافه و گروه‌های حرف اضافه‌ای که در این دسته قرار می‌گیرند، با توجه به معنی و مفهوم محمول تعیین می‌شوند و معمولاً بر این مبناست که کار فعل از چه جهت به چه جهتی توجه داشته‌است. بنابراین می‌توان گفت وقتی محمول معمولاً جهت‌دار نیست و اثرگذار انجام‌دهنده واقعی کار است، در جمله مفعول مستقیم وجود دارد، مانند جمله (۵۷).

۵۷. او کتاب را فروخت.

اما در مواردی که محمول دارای جهت است و نشان‌دهنده توجه یا حرکتی از طرف اثرگذار است و معمولاً اثرپذیر، عاملی معنوی یا مادی را دریافت می‌کند، این محمول‌ها معمولاً مفعول غیر مستقیم می‌گیرند و حرف اضافه همراه آن اغلب (به) می‌باشد:

۵۸. آموزگار مطلب را به شاگرد یاد داد.

که محمول جهت‌دار است و کار اصلی از آموزگار سر می‌زند و دریافت‌کننده شاگرد است. حرف اضافه (به) نمودار مفاهیم متعددی است ولی جنبه عمومی آن سمت‌نمایی است و این جنبه در راس دیگر مفاهیم آن قرار دارد.

۵۹. نامه‌ای به او فرستادم.

در مثال فوق چون سخن از یک عمل فیزیکی است، مفهوم سمت‌گیری حرکت کاملاً آشکار است. در مواردی که محمول دارای جهت است ولی جهت از گروه حرف اضافه‌ای آغاز می‌شود، گروه حرف اضافه‌ای با حرف اضافه (از) مشخص می‌شود.

۶۰. من کتاب را از او گرفتم.

در مثال‌های (۶۱-۶۲) محمول با توجه به حرف اضافه‌ای که انتخاب می‌کند، می‌تواند دو

معنی متضاد داشته باشد.

۶۱. مطلب را از او آموختم.

۶۲. مطلب را به او آموختم.

۱۲۴ محمول‌های پذیرنده گروه حرف اضافه‌ای نشانگر موضوع

محمول‌هایی که می‌توانند گروه حرف اضافه‌ای نشانگر موضوع بپذیرند به ده گروه زیر تقسیم می‌شوند. شایان ذکر است که منظور از واژه متمم که در بعضی از گروه‌های زیر آمده، بخشی از جمله است که به دنبال فعل می‌آید و جمله را تکمیل می‌کند. متمم‌ها در این مفهوم، اغلب بخش‌های اجباری جمله‌های مربوط به خود محسوب می‌شوند. (ریچاردز و دیگران، ۱۹۹۲: ۶۹)

الف. فعل‌های ساده که گروه حرف اضافه‌ای را به عنوان موضوع سوم خود (موضوع غیر مستقیم مرکز) می‌پذیرند:

دادن، بخشیدن، آموختن (یاد دادن)، افزودن، آویختن، گرفتن، پرسیدن، شنیدن، آموختن، ربودن

۶۳. آن بزرگوار این درس را به من آموخت.

فعل آموختن دارای دو موضوع فرا نقش اثرگذار و اثرپذیر می‌باشد و موضوع سوم آن که غیر فرا نقش می‌باشد با حرف اضافه نمود پیدا کرده است.

ب. فعل‌های گذرا به مفعول که با (ان) سببی می‌شوند:

خوراندن، پوشاندن، فهماندن، شناساندن، تاباندن

۶۴. مادر لباس را به کودک پوشاند.

این فعل‌ها نیز دو موضوع فرا نقش دارند و حالت سببی محمول باعث شده که گروه حرف اضافه‌ای را نیز به عنوان موضوع سوم خود بپذیرند.

پ. فعل‌هایی که گروه حرف اضافه‌ای را به عنوان متممی گرفته‌اند و با (ان) سببی گذرا به مفعول می‌شوند:

رهاندن، گذراندن، چسباندن

۶۵. او از خطر رهید.

۶۶. او مرا از خطر رهاند.

ت. فعل‌های تک‌مفعولی که گروه حرف اضافه‌ای، مفعول مستقیم آن‌ها می‌باشد:

۶۷. من از این کتاب استفاده کردم.

۶۸. ماشین به او زد.

۶۹. آن‌ها به پدر بزرگ سرزدند.

این گروه‌ها را نیز می‌توان در دسته نشانگر موضوع قرار داد، زیرا حرف اضافه آن‌ها توسط محمول تعیین می‌شود و گروه اسمی پس از آن‌ها نیز موضوع مرکز می‌باشد ولی در این جمله‌ها گروه حرف اضافه‌ای را می‌توان برخلاف قسمت‌های قبلی، موضوع مستقیم مرکز در نظر گرفت، زیرا در جایگاه فرانشس، یعنی اثرپذیر قرار گرفته است.

۷۰. به او نفرین کردند.

۷۱. به ما کمک کردند.

۷۲. به احمد نگاه کردند.

در این مثال‌ها چون غالباً مفعول مستقیم در اثر فراوانی کاربرد، به صورت جزء اسمی فعل مرکب درآمده و با آن درآمیخته، از این رو تنها مفعول دوم به صورت مفعول غیر مستقیم باقی مانده است و چون جای مفعول مستقیم خالی است، مفعول غیر مستقیم می‌تواند به صورت مفعول مستقیم هم بیاید:

۷۳. او را نفرین کردند.

ث. فعل‌هایی مانند ترسیدن، رنجیدن، فریب خوردن، شکست خوردن:

۷۴. دوستم از من رنجید.

گروه حرف اضافه‌ای در جمله (۷۴)، عامل است و دارای فرانشس اثرگذار می‌باشد، بنابراین، گروه حرف اضافه در این جمله مانند جمله‌های (گروه ت) موضوع مستقیم مرکز می‌باشد، با این تفاوت که آن‌ها دارای نقش اثرپذیر و این‌ها دارای نقش اثرگذار هستند.

ج. فعل‌های زیر که یک گروه حرف اضافه‌ای را به عنوان متمم خود می‌پذیرند:

اندیشیدن، بالیدن، برازیدن، برخوردن، پرداختن، پیوستن، چسبیدن، گرویدن، تازیدن، نگرستن، رسیدن

۷۵. جوینده به حقیقت می‌رسد.

۷۶. هیچ آزاداندیشی باحقیقت نمی‌جنگد.

ج. بسیاری از فعل‌های مرکب فارسی که گروه حرف اضافه را به عنوان متمم خود می‌پذیرند:

۷۷. همه از او استقبال کردند.

۷۸. با ایشان مباحثه‌ای نداریم.

۷۹. در این زمینه کوتاهی نمودم.

یکی از خصوصیات زبان فارسی داشتن فعل‌های متعدد ترکیبی است که معمولاً از یک اسم یا صفت یا عنصر دیگری به اضافه فعل ساخته می‌شوند (باطنی، ۱۳۷۴: ۷۹). بررسی داده‌های نوشتار معیار زبان فارسی نشان می‌دهد که بسیاری از گروه‌های حرف اضافه‌ای، موضوع این محمول‌ها واقع می‌شوند. فعل‌های ترکیبی فارسی یک واحد معنایی هستند، برای مثال، نشان دادن یک واحد است و معادل با نمودن می‌باشد. این فعل‌ها از نظر ساختمان دستوری دو جزء هستند، این ویژگی سبب می‌شود که فعل‌های ترکیبی قابل بسط باشند و در بعضی موارد، گروه حرف اضافه در بین دو قسمت واقع گردد.

۸۰. این دو روز را به این کار اختصاص داده‌ام.

۸۱. این دو روز را اختصاص به این کار داده‌ام.

این ویژگی، یعنی همراه کردن جزء غیر فعلی فعل‌های ترکیبی با کلمه‌های دیگر، سبب قابلیت بیش‌تر برای بیان تغییرات ظریف معنایی می‌شود. نکته قابل توجه در مورد جمله‌های (۷۷-۷۹)، تنوع حروف اضافه می‌باشد. در جمله (۷۸) محمول دوجانبی است، یعنی رویارویی دو جانبه اثرگذار با گروه حرف اضافه را نشان می‌دهد. حرف اضافه (با) معمولاً معانی همراهی و ابزار را (در جایگاه افزوده) می‌رساند ولی در معنی مشارکت نیز به کار می‌رود و فعل‌های مرکبی که با مصدرهای باب مفاعله زبان عربی ساخته می‌شوند، با این حرف اضافه به کار می‌روند.

حرف اضافه (در) غالباً مفاهیم مکان و زمان را می‌رساند و با گروه اسمی پس از خود در جایگاه افزوده قرار می‌گیرد اما در جمله (۷۹) همراه فعل‌های مرکبی مانند تاخیر کردن، تاثیر کردن و... گروهی را تشکیل می‌دهد که موضوع محمول واقع می‌گردد. در فعل‌های مرکبی مانند: سهم دادن، قول دادن، وعده دادن، تن دادن، عبرت گرفتن، دست کشیدن، که گروه حرف اضافه‌ای را به عنوان موضوع خود می‌پذیرند، سازه غیر فعلی، اسمی است که مفعول صریح بوده و در فرایند تشکیل فعل مرکب (رای) آن حذف شده است (یعنی ساختاری شبیه جملات گروه الف) داشته است.

ح. فعل‌های مرکبی که گروه حرف اضافه را به عنوان موضوع سوم خود می‌گیرند:

۸۲. علی مریم را با مینا آشتی داد.

۸۳. او در مهمانی مرا با استاد آشنا کرد.

فعل‌های عادت دادن، یاد دادن، گزارش دادن، نشان دادن، پس دادن از دیگر فعل‌های این گروه هستند. این فعل‌ها مانند گروه (الف) دو موضوع مستقیم و یک موضوع غیر مستقیم به صورت گروه حرف اضافه‌ای می‌پذیرند.

خ. فعل‌هایی مانند گفتن و اطلاق کردن در جمله‌های زیر:

۸۴. اهل محل به او پهلوان می‌گفتند.

۸۵. ما به این نوشته‌ها نثر ادبی اطلاق می‌کنیم.

گروه‌های حرف اضافه‌ای (به او و به این نوشته‌ها) برای فعل‌های (می‌گفتند و اطلاق می‌کنیم)، موضوع واقع می‌شوند ولی این فعل‌ها همان‌طوری که خیام پور (۱۳۷۲: ۷۰) آن‌ها را فعل ناقص نامیده نیاز به متمم دارند. (پهلوان و نثر ادبی) متمم این فعل‌ها می‌باشند، اغلب افعالی که متمم فعل ناقص می‌گیرند یک مفعول نیز می‌پذیرند که الزاماً با (را) می‌آید و حذف را از جمله سبب بد ساخت شدن آن می‌شود.

۸۶. او را نابغه پنداشتم.

۸۷. او نابغه پنداشتم.

این متمم، اسم، صفت یا حالتی را به مفعول جمله نسبت می‌دهد، از این رو عده‌ای آن را متمم مفعول و فعل آن‌ها را متعدی مرکب نامیده‌اند (غلامعلی زاده، ۱۳۷۴: ۱۱۸) در موارد معدودی که به جای مفعول، گروه حرف اضافه‌ای می‌آید مانند جملات (۸۵-۸۴)، گروه حرف اضافه‌ای، دریافت کننده آن صفت یا حالت می‌باشد به همین جهت با حرف اضافه (به) همراه می‌شود.

د. فعل‌های ناگذر حرکتی

۸۸. در تابستان به بیلاق خواهیم رفت.

در جمله (۸۸) گروه حرف اضافه‌ای (به بیلاق) عنصری است که حذف آن، جمله غیر دستوری یا حداقل مبهم زیر را به دست می‌دهد:

۸۹. در تابستان خواهیم رفت

این گروه‌های حرف اضافه‌ای می‌توانند موضوع‌های هدف و منشا برای فعل‌های ناگذر حرکتی در نظر گرفته شوند.

ایبانیز (۲۰۰۹) دلایلی برای مطرح نمودن این گروه‌ها در این دسته را این‌گونه بیان نموده است.

الف) از نظر معنایی مورد نیاز می‌باشند.

- ب) عنصری اختیاری هستند ولی گرایش زیادی به رمزگذاری شدن دارند.
- ج) به طور مکرر با حرف اضافه خاص خود (canonical preposition) می‌آیند.
- د) حروف اضافه آن‌ها از خود محمول قابل پیش‌بینی می‌باشند. چ

۳.۴. گروه‌های حرف اضافه‌ای موضوع - افزوده (+ موضوع، + مرکز، + حرف اضافه محمولی)

کارکرد سومی که یک گروه حرف اضافه‌ای با توجه به دستور نقش و ارجاع می‌تواند داشته باشد، این است که می‌تواند موضوع یک محمول را مشخص کند، ولی بر معنای بند نیز بیفزاید. بهترین مثال برای این مورد، گروه حرف اضافه‌ای با فعلی مانند (گذاشتن) می‌باشد. این فعل‌ها به عبارتی مکانی نیاز دارند اما انتخاب حرف اضافه مکانی توسط فعل تعیین نمی‌شود.

۹۰. او کتاب را روی / نزدیک / پشت / بالای / زیر جعبه نهاد.

در جمله بالا، حروف اضافه متعدد، بر خلاف حرف اضافه (به) با فعلی مانند دادن یا نشان دادن، بخش مهمی از معنای جمله را می‌رسانند و بنابراین باید حروف اضافه محمولی در نظر گرفته شوند. به گروه‌های حرف اضافه‌ای که در جمله فوق به کار رفته، موضوع - افزوده در مرکز گفته می‌شود. مشکوه‌الدینی (۱۳۸۷) این گونه محمول‌ها را، گروه فعلی با قید مکان اجباری می‌نامد، به این معنی که به کار بردن گروه حرف اضافه‌ای قید مکان به همراه فعل‌های مشابه (گذاشتن)، اجباری است و در حالتی که گروه حرف اضافه‌ای قید مکان در گروه یادشده ظاهر نشود، مفهوم آن توسط شنونده فهمیده می‌شود.

یکی از ساختارهای زبان فارسی که گروه حرف اضافه‌ای در آن به کار می‌رود، ساختارهای فعل سبک فارسی (light verb construction) می‌باشد. دبیرمقدم، (۱۳۸۸:۱۷۲) این ساختارها را تحت عنوان گروه حرف اضافه‌ای و فعل در ضمن بحث فعل مرکب مورد بررسی قرار داده و می‌نویسد کلیه این افعال مرکب در پیکره زبانی مورد بررسی ایشان به صورت استعاری به کار برده می‌شوند. این محمول‌های پیچیده از پیوند گروه‌های حرف اضافه‌ای و شکل‌های ضعیف شده فعل که به آن فعل سبک می‌گویند، (کتل، ۱۹۸۴) تشکیل می‌شود. مطالعه‌ای که درباره ساختارهای فعل سبک حرف اضافه‌ای فارسی با توجه به دستور نقش و ارجاع انجام گرفته است نشان می‌دهد که این ساختارها مربوط به نوع سوم

گروه‌های حرف اضافه‌ای در تحلیل دستور نقش و ارجاع، یعنی موضوع. افزوده می‌باشند و حروف اضافه آن‌ها محمولی است.

در واقع در جمله‌های حاوی این ساختارها معنی فعل و جمله بدون گروه حرف اضافه‌ای کامل نیست. نکته مهم این است که در چنین ساختارهایی دو بخش محمولی (عنصر فعلی و گروه حرف اضافه محمولی) یک پیوند هسته فعلی (nuclear juncture) را تشکیل می‌دهند. یافته دیگر تحقیق مذکور این است که گروه‌های حرف اضافه‌ای در این ساختارها از نوع مکانی می‌باشند.

۴.۴. گروه‌های حرف اضافه‌ای موضوع در حاشیه

گروه حرف اضافه‌ای عامل برای ساختارهای مجهول در زبان‌هایی مانند انگلیسی و فارسی در این بخش جای می‌گیرند

۹۲. او شیشه را با سنگ شکست.

۹۳. سنگ شیشه را شکست.

۹۴. او غذا را با دست خورد.

۹۵. * دست غذا را خورد.

گروه حرف اضافه‌ای ابزاری در جمله (۹۲) می‌تواند به عنوان موضوع مرکز (نهاد) در جمله (۹۳) ظاهر شود ولی این حالت در جمله (۹۵)، الگویی غیر دستوری به دست می‌دهد. (ون ولین، ۲۰۰۱: ۹۴). گروه حرف اضافه‌ای در جمله‌هایی مانند (۹۲) را می‌توان در گروه موضوع در حاشیه قرار داد.

۵.۴. گروه حرف اضافه‌ای در نقش محمول جمله

در زبان فارسی دسته دیگری از گروه‌های حرف اضافه‌ای وجود دارد که در تقسیم‌بندی دستور نقش و ارجاع به طور مستقیم به آن اشاره‌ای نشده است و می‌توان آن‌ها را گروه‌های حرف اضافه‌ای دارای نقش محمول نامید. این گروه‌ها خود به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول در پیوی (۲۰۱۰: ۵۷) تحت عنوان محمول‌های غیر فعلی مورد توجه قرار گرفته است. همان‌گونه که در معرفی دستور نقش و ارجاع ذکر گردید، هسته در مرکز، دربر

دارنده محمول است و محمول عمل یا موقعیتی را توصیف می‌کند و اغلب یک فعل می‌باشد ولی در مثال زیر:

۹۶. رضا خلبان است.

خلبان به عنوان عبارت ارجاعی عمل نمی‌کند، به عبارت دیگر، مانند موضوع به یک شخص دلالت ندارد، بلکه یک ویژگی را توصیف می‌کند و کارکردی محمولی دارد، فعل این جمله، فقط حامل زمان می‌باشد و حامل معنی اصلی جمله در توصیف رویداد یا موقعیت نیست. بنابراین، در جمله‌هایی مانند:

۹۷. این میز از چوب است.

۹۸. این کتاب درباره‌ی زیست‌شناسی است.

که گروه حرف اضافه در نقش مسند یا متمم نهاد به کار رفته است، در واقع گروه حرف اضافه یک محمول غیر فعلی است و مربوط به مرکز می‌باشد، حروف اضافه این محمول‌ها نیز از مقوله محمولی است.

دسته دیگر شامل محمول‌های ایستای مکانی (locative state predicates) می‌باشند

(پیوی، ۲۰۱۰: ۱۲۴). مانند جمله‌های زیر:

۹۹. خانه آن‌ها در این محله است.

۱۰۰. گره این کار در دست شماست.

۵. نتیجه

مطابق با نظریه دستوری نقش و ارجاع، نقش محمولی جمله‌ها همیشه توسط عناصر فعلی ایفا نمی‌شود، بلکه اسم، صفت، قید یا حرف اضافه نیز می‌تواند بیانگر محتوای گزاره‌ها باشند. بنابراین، حرف اضافه مانند دیگر اقسام کلام می‌تواند محمولی باشد. محمولی یا غیر محمولی بودن یک حرف اضافه اساساً مبتنی بر فعلی است که با آن همراه می‌شود.

در تحقیق حاضر، داده‌های زبان فارسی، شامل انواع گروه‌های حرف اضافه‌ای که به عنوان سازه‌ای مستقل کاربرد دارند، با توجه به دسته‌بندی این نظریه مورد بررسی قرار گرفت و مشخص گردید که این دسته‌بندی می‌تواند برای تحلیل گروه‌های حرف اضافه‌ای زبان فارسی مورد استفاده قرارگیرد. براساس این تقسیم‌بندی، گروه‌های حرف اضافه‌ای به چهار بخش عمده افزوده، نشانگر موضوع، موضوع-افزوده و موضوع در حاشیه تفکیک گردید. بنابراین، نشان داده شد که نگرش بسیاری از دستورنویسان سنتی و همچنین زبانشناسان در

مورد گروه‌های حرف اضافه نارساست. گروه‌های حرف اضافه، آن چنان که برخی از زبان‌شناسان ادعا نموده‌اند، همیشه ادات نیستند، بلکه در نقش مفعول، در نقش نشان دهنده مفعول غیر مستقیم و حتی به عنوان محمول جمله ظاهر می‌شوند.

در این جستار گروه‌های حرف اضافه‌ای نشانگر موضوع با توجه به افعالی که با آن‌ها تظاهر می‌یابند به ده دسته تقسیم شد. گروه حرف اضافه‌ای همراه با فعل‌های ناگذر حرکتی، گروه حرف اضافه‌ای مکانی و غیر مکانی همراه با فعل ربطی و گروه حرف اضافه‌ای در ساختارهای فعل سبک فارسی، از دیگر مواردی می‌باشد که در این پژوهش با توجه به دستور نقش و ارجاع مورد بررسی قرار گرفت. همان‌گونه که در متن مقاله اشاره شد، گروه‌های حرف اضافه‌ای زبان فارسی به عنوان سازه‌ای وابسته نیز کاربرد دارند، مانند متمم اسم، صفت و ... که تحلیل آن‌ها در چارچوب این نظریه مجالی دیگر را می‌طلبد.

منابع

- ارژنگ، غلامرضا (۱۳۷۴). دستور زبان فارسی امروز، تهران، نشر قطره.
- باطنی، محمد رضا (۱۳۷۴). توصیف ساختمان دستوری زبان فارس (چاپ پنجم)، تهران، امیرکبیر.
- قریب، عبدالعظیم و همکاران، (۱۳۷۳). دستور زبان فارسی (پنج استاد)، تهران: انتشارات ناهید.
- خیامپور، عبدالرسول (۱۳۸۴). دستور زبان فارسی، تهران: انتشارات ستوده.
- دبیر مقدم، محمد (۱۳۸۸). پژوهش‌های زبان شناختی فارسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- غلامعلی زاده، خسرو (۱۳۷۴). ساخت زبان فارسی، تهران: احیاء کتاب.
- مشکوه الدینی، مهدی (۱۳۸۷). دستور زبان فارسی واژگان و پیوند های ساختی، تهران: سمت.
- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی (۱۳۷۹). دستور زبان فارسی، تهران، سمت.

- Cattell, R. (1984). *Composite Predicates in English*. Orlando, Florida: Academic press.
- Croft, W. (2001). *Radical Constructron Grammar*. Oxford: Oxford University Press.
- Dowty, D. (2003). "The dual analysis of adjuncts/complements in categorial grammar". In Evald Lang, Claudia Maienborn, and Cathry Fabricius –Hansen (eds), *Modifying Adjuncts*, 33-66. Berlin: Mouton De Gruyter.
- Ibañez, S. (2009). "Some functions of Prepositional Phrases in Spanish". In L. Guerrero, S. Ibañez, and V. Belloro, eds., *Studies in Role and Reference Grammar*, 459-490. Mexico: UNAM.
- Merlo, P. & Esteve Ferrer, E. (2006). "The notion of argument in Prepositional Phrase attachment". *Computational Linguistics* 32(3):341.377.

- Pavey, E. (2010) *The Structure of Language: An Introduction to Grammatical Analysis*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Radford, A. (1997). *Syntactic Theory and The Structure of English*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Rezai, Vali. (2003) *A Role and Reference Grammar Analysis of Simple Sentences in Farsi (Modern Persian)*. Ph.D. Dissertation, University of Isfahan.
- Richards, Jack et al (1992). *Dictionary of language Teaching & Applied Linguistics*. Longman Group UK Limited.
- Saeedi T. , Zari. (2010). *Event Structure of Prepositional Nuclear Junctures in Persian: A Role and Reference Grammar Account*. Ph.D Dissertation. Trinity College Dublin.
- Schütze , C.T.(1995). "PP attachment and argumenthood". *MIT Working Papers in Linguistics* 26:95.151.
- Schütze , C.T&E.Gibson (1999). "Argumenthood and English Prepositional Phrase attachment". *Journal of Memory and Language* 40:409.43
- VanValin, Robert D., Jr.(1991). "Functionalist Linguistic Theory and Language Acquisition" . *First Language* 11:7-40.
- Van Valin, Robert D., Jr.(2001). *An Introduction to Syntax*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Van Valin, Robert D., Jr . (2005). *Exploring the Syntax- Semantics Interface*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Van Valin, Robert D., Jr. and Randy J. Lapolla. (1997). *Syntax: Structure , Meaning and Function*. Cambridge: Cambridge University Press.